



لاله صبوری به «روزگار جوانی» پیوست

لاله صبوری و سیاوش چراغی پور جدیدترین بازیگرانی هستند که به فصل دوم «روزگار جوانی» پیوسته‌اند.

به گزارش جام جم، فصل دوم روزگار جوانی به کارگردانی اصغر توسلی و تهیه‌کنندگی سپهر محمدی همزمان با تصویربرداری‌ای که در تهران در حال انجام است، بازیگر

داستان هم به چشم می‌خورد. موضوعاتی مثل رفاقت، اعمال قدرت و ... که در این بخش مفصل از برخی از آنها گفته‌ایم.

پدرسالاری

خانواده حشمت فردوس، بیش از اندازه تحت تأثیر تصمیمات او بودند و پدرسالاری در شکل‌گیری قصه‌های ستایش نقش پررنگی داشت. در قصه یاور هم این شخصیت بر تمام امور خانواده‌اش تسلط دارد و همه چیز، از پوشش عروس خانواده بگیر تا امور تحصیلی نوه با نظر او پیش می‌رود و تغییر می‌کند. هرچند فردوس تا کهنسالی، شخصیتی مستبد بود و دیکتاتورمآبی او بیش از یاور است، اما خانواده هر دو تحت سلطه آنها هستند و پدرسالاری در هر دو قصه نقش پررنگی ایفا می‌کند.

عروس دوم

پسران شخصیت‌هایی که داریوش ارجمند در دو سریال اپفا کرده‌است، بدون اطلاع، زن دوم گرفتند و همین موضوع در جایی از قصه زندگی خانواده‌اش را با چالش مواجه می‌کند. در سریال ماه رضانی شبکه سه سیما، یاور متوجه می‌شود پسرش زن دیگری را عقد کرده‌است و این موضوع را با همسر و عروسش مطرح می‌کند و سعی در حل این مشکل دارد. آتچنان که از تیزرهای سریال هم می‌توان فهمید این شخصیت با عروس دوم، دچار اختلافاتی می‌شود. فردوس هم با پری‌سیما که از فصل دوم وارد قصه شدو زندگی این خانواده را به هم زد، دشمن بود.

همه زیر یک سقف

در یاور هم مثل بخش‌هایی از سریال ستایش، عروس و خانواده همسر در یک خانه زندگی می‌کنند. این نشان می‌دهد که گویا سعید مطلبی (نویسنده) و سعید سلطانی که کارگردانی این مجموعه‌ها را به عهده دارد، به هر دلیل تمایلی زیادی به انعکاس چنین فضایی دارند. البته بخشی از این جریان را می‌شود به ویژگی‌های یاور و فردوس ارتباط داد چرا که حس سلطه‌گری به اصطلاح پدران‌ه او باعث می‌شود که بخواهد تا حد امکان فرزندان‌ش را دورو اطراف خودش نگه دارد تا این زنجیره ارتباط خانوادگی قوت بیشتری بگیرد و او بتواند با نگاه خودش تا حدی آنها را در مسیر زندگی پیش ببرد. همان طور که در این دو سریال حضور پسر کنار پدر در شغلی که دارند هم به چشم می‌خورد و سر باز زدن از آن برای پسرهایبعات مادی و حتی روانی زیادی دارد. یاور در واقع از این همکاری به عنوان اهرمی برای تنبیه، تربیت و اعمال قدرت پدران‌اش استفاده می‌کند.

به ماجرای حضور عروس در یک خانه با پدر و مادرشوهر برگردیم. در این سریال عروس تا حدی با عروس‌های خانواده حشمت متفاوت است، در آن مجموعه ما شاهد سرپیچی از فرمان و خواسته‌های پدر شوهر بودیم که البته در فصل سوم این اتفاق باز هم تغییر کرد و باعث شد ستایش دوباره به یک عروس مطیع تبدیل شود. در سریال یاور هم این جریان از ابتدا به شکل اغراق‌آمیزی به چشم می‌خورد تا جایی‌که عروس آزادی راپی که زاییده اعتمادبه نفس هم هست را - به تبع اعتماد و احترامی که برای خانواده همسرش قائل است- تا حد خیلی زیادی از دست داده‌است. از دست‌دادنی که تا حدی خودخواسته بوده و در همه آن سال‌ها باعث شده تا با این روند زندگی‌اش را بگذراند.

همان طور که اشاره شد، اعمال نظر در مورد رفتارهای حتی شخصی عروس در این قصه باعث شده تا از او شخصیت منفعلی به تصویر کشیده شود که لازم است تا پدر و مادر شوهر در جزئی‌ترین موارد حتی طرز لباس پوشیدن، خندیدن و اغلب کارهای او دخالت مستقیم کنند. اما گویی عروس اینها را دخالت نمی‌بیند و جزء به جزء به تکت‌تک‌شان گوش می‌دهد. واقعیت این است که چنین شخصیت پردازی‌ای آن هم در چنین زمانی علاوه بر اغراق آمیزبودن دارای ضعف‌های مشهودی است که باعث شده شخصیت و رفتار عروس در لحظه لحظه زندگی‌اش به خانواده همسرش پیوند بخورد و اعتماد به نفسی که لازم است مادر دو فرزند داشته‌باشد را در او نبینیم. همه اینها شخصیت او را تا حدی مصنوعی و دور از واقعیت و درک می‌کنند.

کهنه رفیق

دوستی‌های عمیق و رفاقت‌های قدیمی پای ثابت این دو سریال یعنی یاور و حشمت؛ یعنی همان ستایش است. در سریال ستایش، آتش تقی پور یکی از رفیق‌های صمیمی حشمت بود که حاضر می‌شود از زندگی‌اش هم مایه بگذارد تا دوستش را از مخمصه نجات دهد البته برعکس این جریان هم در سریال وجود داشت، یعنی حشمت هم در رفاقت برای او و هیچ‌کس دیگر کم نمی‌گذاشت.

یاور این شب‌ها نیز درست مثل همان حشمت در این مجموعه رفتار می‌کند. شامیز با بازی اسماعیل محرابی اینجا به اصطلاح رفیق جینگ اوست. دوستی آنها به خیلی گذشته‌ها و از زمان مدرسه‌شان برمی‌گردد، روزی که شامیز خطای یاور را در مدرسه کردن می‌گیرد و استارت این رفاقت دیرینه را می‌زند. از همان زمان یاور و شامیز با فضاهای مختلفی را باهم تجربه می‌کنند. در ادامه و در زمان جوانی فعالیت در یک قهوه‌خانه همراه با شامیز یکی از همکاری‌های مشترک این دو رفیق است، ماجرابی که در ادامه به جگرگی و اتفاقات دیگر ختم می‌شود. این رفاقت با وجود آن‌که هنوز معلوم نشده چرا در بخشی از همکاری آنها فاصله افتاد، در سال‌های بعد هم ادامه دارد تا جایی که بعد از مرگ شامیز و رسیدن این خبر به یاور ما یکی از پرحس‌ترین بازی‌ها را توسط داریوش ارجمند می‌بینیم چرا که شخصیت همیشه خشمگین حشمت و یاور در این دو سریال کمتر درگیر اتفاقات حسی شده که مثل سکانس مرگ شامیز از آن غم بیارد اما در این سکانس ما شکستن یاور را حتی می‌شود گفت در حدی اغراق‌آمیز برای شخصیت یاور می‌بینیم. جایی که او به دیوار می‌کوبد و سعی می‌کند فریادش را قورت دهد.

بعد از غم و اندوه رفتن شامیز، یاور این حس و فقدان را با همان خشم و تلاش برای اعمال این نفرت از قاتل احتمالی رفیقش، به تصویر می‌کشد. او در صحنه‌ای که در حال حرف زدن با عکس شامیز است، قول می‌دهد که باعث و بانی مرگ او را پیدا و انتقام این اتفاق را از او بگیرد. اینجااست که فضای غمگین صه رفاقت با همان خشم همیشگی یاور و حشمت ترکیب می‌شود.

هم می‌گیرد. لاله صبوری، سیاوش چراغی پور و محمودرضا غدیریان جدیدترین بازیگرانی هستند که مقابل دوربین این سریال رفته‌اند. در خلاصه داستان این مجموعه تلویزیونی که به قصه زندگی جوانان متولد دهه ۱۳۷۰ و ۱۳۸۰ می‌پردازد آمده است؛ پس از گذشت سال‌ها، عباس آقا (بیوک میرزایی) تصمیم می‌گیرد که بخشی فرهادی روی آنتن شبکه پنج رفت.

نگاهی به ۲ سریال «ستایش» و «یاور» که بعضی‌ها معتد

آیا یاور همان ح



این شب‌ها اگر بیننده سریال «یاور» از شبکه سه سیما باشید، متوجه شباهت‌های برخی شخصیت‌ها و حتی بخش‌هایی از قصه با سریال «ستایش» شده‌اید که سه فصل آن با همین گروه سازنده روی آنتن رفت. پشت دوربین یاور و ستایش، سعید سلطانی به عنوان کارگردان قرار دارد. البته این بار نام اصغر نعیمی هم کنار او به عنوان کارگردان دیده می‌شود. آرمان زرین‌کوب هم که مدتی است با سلطانی همکاری دارد، تهیه‌کننده هر دو سریال است و فیلم‌نامه‌های یاور و ستایش را هم سعید مطلبی نوشته‌است. داریوش ارجمند هم که با تکیه کلام هایش به ستاره

نوشین مجلسی
فاطمه شه‌دوست

رسانه

زاویه دید

سوار موج رس

این که خرده قصه‌ای را از اثری برداریم و دنباله‌اش را بسازیم، یک چیز جدید تولید کرده‌ایم. اما موضوع زمانی قابل بررسی است که ببینیم کار در اجرا چگونه از آب درآمده‌است. زمانی این موضوع جواب می‌دهد که بتوانید زاویه دید متفاوت را القا کنید. اررار بر حفظ حداکثری عوامل ستایش و آوردن آنها در همان قالب، نکته‌ای است که ظاهرآ زیاد به چشم آمده و باعث شده پیش از این‌که داستان جدید مطرح شود برخی بیشتر حضور این عوامل را ببینند. البته جمع کردن بازیگران قبلی در گروه اشکالی ندارد. خیلی کارهای سینمایی را می‌بینی که گروه‌های مشابهی دارند، اما داستان متفاوتی را روایت می‌کنند که تداعی فیلم قبلی را نمی‌کند. اگر تداعی فیلم قبلی را کند باید گفت چرا ادامه همان قصه را نساختید؟ البته که در این مورد قصه‌هایی که نیست، به نظر من تماشاگر عادی وقتی یاور را نگاه می‌کند به خاطر فاصله زمانی هم که با

پخش ستایش ایجاد شده‌است، خیلی متوجه شباهت‌ها نمی‌شود. این شباهت‌ها برای رسانه‌ای‌هاست، آن هم تعدادی که می‌خواهند بگویند زودتر از بقیه شباهت‌ها را دریافتند و گویی می‌خواهند بیان کنند اول از همه می‌چ‌شان را گرفتیم! همین در رسانه‌ها موج ایجاد می‌کند و می‌گویند کپی است! اصلا کپی باشد. کدام اثر است که هیچ پیشینه‌ای ندارد؟ همان طور که گفتیم مهم نحوه پدرازش است و باید دید کار در نهایت چگونه شده‌است. خوب است در این مورد بدون این‌که درباره شباهت به سریال ستایش کد بدهیم، سراغ مخاطب عادی برویم و ببرسیم نظرش درباره سریال یاور چیست؟ من شک دارم در نظر آنان حرفی درباره سریال ستایش بیاید. این نوع نگاه برای رسانه‌ای‌ها و مخاطبان تخصصی است که می‌خواهند در آثار بعدی چنین شباهت‌ها و یک‌به یک برابری‌ها به رخ کشیده نشود. زمانی این شباهت‌ها به چشم می‌آید که خیلی از رفتارها، دیالوگ‌ها، ویژگی‌هایی که برای کنش شخصیت تعریف می‌کنیم، تیپ و شغلش و... عینا همان قبلی را یادآوری کند. اما همین موارد را هم مخاطب عادی دنبال نمی‌کند و او بیشتر در پی این است که قصه‌ای جذاب تماشا کند. «یاور» اگر بتواند قصه‌اش را مخاطب پسند بگوید، اصلا این حرف‌ها اهمیتی ندارد. اساسا شباهت در میان آدم‌ها وجود دارد. خیلی‌ها شغل مشابهی دارند، شخصیت حامی هستند، ممکن است رودست بخورند، دشمنی ببینند و...

نمونه‌های موفق داریم

ما چیزی داریم که به عنوان اسپین آف مطرح می‌شود و نمونه‌های نه چندان کامل، بلکه تقریبی آن در سینمای کشور هم دیده می‌شود. مثلا شخصیت‌هایی که سام درخشانی و پژمان جمشیدی در کنار یکدیگر بازی می‌کنند غالباً یکی است، با همان دیالوگ‌ها و رفتارها. این میزان تکرار را می‌شود اشکال دانست ولی همین هم، مخاطبان خود را دارد و برخی دنبال این هستند که ببینند این شخصیت‌ها حالا قرار است چه کار کنند؟ در این فضا یعنی سری‌سازی و ساخت مجموعه‌ای که با قصه قبلی مرتبط باشد، نمونه‌هایی وجود دارد که موفق بودند. به طور کلی زمانی باید شباهت ارزایی باشد که ببینیم بیننده عادی به صرف دیدن داریوش ارجمند، همان شخصیت برایش تداعی می‌شود یا خیر.

نگاهی عمیق‌تر

باید افزود بهتر است درباره وجوه دیگری از این سریال بحث شود که خیلی مهم‌تر است، مثل بحث پدرسالاری. خیلی از پدر و مادرهای امروزی به دلایل مختلف به جایی رسیدند که اداره هوشمند و کنترل طبیعی خانواده را از دست دادند. این موضوع در سریال‌هایی مانند ستایش دیده می‌شود که پسر می‌خواست به پدر کلک بزند. این اتفاق با ورود عنصری جدید به خانواده (عروس) پیش می‌آید و همه چیز زیرورو می‌شود. نشان داده می‌شود با وجود این‌که فرزندان در همان خانه و با پدر و مادر زندگی می‌کنند به درستی مدیریت نشدند. همچنین بسیاری از نسل امروز، روش‌ها و تفکرات سنتی را قبول ندارند و در تقابل با آن هستند. از سوی دیگر حدیث داریم که فرزندت را متناسب با زمانه خود بار بیاور. در اصول تربیتی اسلام هم هر نسل با نسل قبلی‌اش متفاوت است. این اتفاق‌ها را در این سریال هم به نحوی